

زون یورو و اتحادیه اروپا: بیکاری بیسابقه



بر پایه استراتژی لزن شورای اروپا از سال ۲۰۰۰، باید اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۱۰ در جایگاه منطقه رشد دینامیک متکی به تخنیک پیشرفته در جهان قرار می گرفت. ولی برخلاف رقم قرضداریهای دولتی و بیکاری اتحادیه اروپا به طور دینامیک رشد یافته اند.

اندکی پیش از عید ایستر، کمیسیون اتحادیه اروپا بزرگترین رقم بیکاری را از هنگام نخستین احصائیه تا کنون در اتحادیه اروپا و زون یورو اعلام کرد: ۱۰،۲ در صد در اتحادیه اروپا با ۲۷ عضو و ۱۰،۸ در صد در زون یورو. بناءً از هر صد نفر نه نفر در کشورهای عضو اتحادیه اروپا با بیکاری مواجه اند که درین میان بیکاری مرموز و طفره رفتن احصائیه ها و نوسانهای بازار کار در نظر گرفته نشده است.

قبل از همه به این مطلب باید توجه کرد که: با این فیصدیهای خلیلیها نازل سرنوشت ملیونها انسان و خانواده گره خورده است. در اروپا در حال حاضر حدود ۲۵ ملیون انسان بیکار اند - ۲۵ ملیون مترادف است با افراد مستعد به کار در کشور فرانسه - مترکم ساختن آن بالای یک کشور معنی آن را دارد که در تمام کشور فرانسه حتی یک انسان نیز کار با دستمزد ندارد.

بدین ترتیب درآمد ناخالص ملی که بالغ به دویلیون یورو می گردد، تولید نمیشود. ارقام بیکاری از زمان بروز بحران مالی و اقتصادی فقط یک جهت و آنهم صعودی را می شناسد. هر گاهی ارقام بیکاری در ماه فبروری ۲۰۰۸ را با ارقام فبروری امسال در تقابل قرار دهیم، می بینیم که ۸،۴ ملیون به آن افزوده شده که ارتقای ۵۲ در صد را در دوران چهار سال گواه است.

در زون یورو در همان فاصله زمانی از پیش یاد شده ۵۵ در صد افزایش دیده می شود که بیکاری از ۱۱،۴ ملیون به ۱۷،۱ ملیون افزایش یافته است.

پرابلم بیکاری جوانان خلیهها تکاندهنده است. حدود ۵،۵ میلیون انسان زیر سن ۲۵ سال در ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا بیکار اند. بدین ترتیب تقابل می رساند که اتحادیه اروپا با ۲۲،۴ درصد و زون یورو با ۲۱،۶ درصد بیکاری در میان جوانان دو برابر با بیکاری عمومی است. این رقم در دوران بحران و "سالهای رونق" به اندازه ۷،۳ درصد افزایش یافته است. در اسپانیا (۵،۵۰ درصد) و در یونان (۴،۵۰ درصد در دسامبر ۲۰۱۱) از هر دو جوان یک جوان بیکار است. در ایتالیا (۹،۳۱ درصد)، آیرلند (۶،۳۱ درصد)، پرتغال (۴،۳۵ درصد)، بلجیم (۲،۳۲ درصد) بیکاری جوانان بمعنی بیکار بودن یک فرد جوان از هر سه فرد جوان است.

ولی بیکاری عمومی در کشورهای اطراف حوزه مرکزی اتحادیه اروپا درین اواخر میان دو الی سه مرتبه بیشتر است از آغاز بحران مالی و اقتصادی کنونی: در اسپانیا از ۹،۰ به ۲۳،۳ درصد، در یونان از ۷،۷ به ۲۱،۰ (دسامبر ۲۰۱۱)، در پرتغال از ۸،۴ به ۱۴،۸، در ایرلند از ۴،۹ به ۱۴،۸ درصد (ارقام از جنوری ۲۰۰۸ و جنوری ۲۰۱۲). در یونان که با گذشت هر روز هر چه بیشتر غریق بحران می گردد، رقم بیکاری در ظرف یکسال افزایش ۳،۶ درصد را گواهی می دهد.

این ارقام بیانگر یک سکه دو روی است، هرازگاهی کمیسیون مربوط در اتحادیه اروپا اکنون "واکنش اش را در مورد بازار جهانی کار و انکشاف آن" تبارز می دهد. یکی از سخنگویان کمیسیون اعلام داشت: با وجود اهمیت صرفه جویی در عرصه خدمات عامه مطلب روی آن می چرخد تا رشد اقتصادی را با ایجاد مشغولیتهای جدید پیوند بهتر دهند. آنده افرادیکه تنها طالب صرفه جویی هستند، فرسایش اقتصادی را تشدید می کنند؛ از همینجاست که بازار کار هر چه بیشتر از دیدگاه سیاست اقتصادی و مالی مورد بررسی قرار می گیرد (فرانکفورترالگیمینی سایتونگ مؤرخ ۳ اپریل ۲۰۱۲).

این گواه بر آنست که درین نزدیکیها کمیسیون اتحادیه اروپا که در چهار چوبه سه گانه ها (کمیسیون اتحادیه اروپا، بانک مرکزی اروپا و صندوق بین المللی پول) فعالیت دارد به کشورهای جنوبی اروپا یک صرفه جویی را بدنبال دیگری توصیه کرد و بدینوسیله این کشورها را یکی بعد دیگر زیر نام "قابلیت رقابتی" به فرسایش اقتصادی و ورشکستی مواجه ساخت. با درنظرداشت این که هیچ یک از سیاستمداران و اقتصاددانان نیولیبرال سرمایه داری نتوانستند توضیح دارند که برای کدام بازار نامکشوف و تخیلی بایست اینکشورها قابلیت رقابت را به اثبات رسانند. لطفاً مشخص سازید که در کجا خلاهایی در بازار قرار دارند که باید مورد مذاقه قرار گیرند. در غیر آن می توان از خلاهای نامعلوم صحبت کرد: بخشی از مشارکت در بازار جهانی را که یونان بوسیله قابلیت رقابتی اش تسخیر می کرد برای کشور صادراتی دیگری رها کرد. قابل تذکر است که باقوه خرید و بالا گرفتن تقاضا از طریق تزئید دستمزد و اخذ مالیه از ثروتمندان ممکن بود تا تدابیر موجودیت منطوقی آنها را تشدید بخشید.

ولی دیده می شود که پیمودن راه "یونانی" و یا "اسپانوی" به صرفه جویی صدها هزار محل کاری در عرصه خدمات عامه، امتناع از سرمایه گذاری در بخشهای خدمات اجتماعی، تنقیص دستمزد و حقوق باز نشسته گی انجامیده بیکاری را تشدید بیشتر بخشید و منجر به سراسیمه گی گردید و اما سایر کشورهای اروپایی نیز بارسنگین جلوگیری از قرضه و قرار دادفسکال را در اقتصاد رو به فرسایش بدوش می کشند. خطر دراز مدت و پایدار فرسایش کاملاً روشن است.

متن از: فیرد شمید / انستیتوت علوم اجتماعی در مونشن